

Israel's Economic Diplomacy Strategy in the Persian Gulf

Davood Karimipour*

Abstract

Economic diplomacy, as an interactive action, has found a special role in the foreign policy of countries, the most important of which should be to help resolve political and security issues. Economic peace is one of the most important strategies that the Israeli government has focused on in order to improve political relations and ultimately alleviate security tensions. Accordingly, the present article examines the dimensions and principles of Israel's economic diplomacy strategy by asking what it is based on and what its goals are. The hypothesis of the article is that Israeli economic diplomacy, using the existing security and trade infrastructure, first seeks to improve trade relations and ultimately seeks to achieve political peace. Applying the conceptual model of economic diplomacy with the help of descriptive-analytical method, while confirming this hypothesis, showed that Israel has established institutions for managing its economic relations in the region over the past years. These institutions have laid the groundwork for peace and the normalization of political relations by networking and portraying Israel as a desirable and peaceful actor. The findings show that the Persian Gulf region is one of the most important cases in Israeli economic diplomacy that has so far helped to normalize relations with the UAE and Bahrain. This could be considered as a source of threat to the Islamic Republic of Iran in the future and affect Tehran's economic relations with the Gulf States.

Keywords: Israel, Economic Diplomacy, Persian Gulf, Foreign policy.

Article Type: Research Article.

Citation: Karimipour, Davood (2021). Israel's Economic Diplomacy . trategy in the Persian Gulf, 4(2), 551-579.

* Assistant Professor of International Relations, Faculty of National Security, National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author: karimipour.d@chmail.ir)



International Political Economy Studies, 2021, Vol. 4, Issue 2, 551-579.
Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.



ISSN: 2383-3602

راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در منطقه خلیج فارس

داود کریمی‌پور*

چکیده

دیپلماسی اقتصادی، به‌مثابه کنشی تعاملی، نقش ویژه‌ای در عرصه سیاست خارجی کشورها یافته که از مهم‌ترین آنها کمک به حل‌وفصل مسائل سیاسی و امنیتی است. صلح اقتصادی از جمله مهم‌ترین راهبردهای سران اسرائیل است که به‌منظور بهبود روابط سیاسی و کاستن آلام امنیتی در کانون توجه خود قرار داده‌اند. براساس این، مقاله حاضر با طرح این سؤال که راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل مبتنی بر چه ابزارهایی و دنبال‌کننده چه اهدافی است؟ ابعاد و اصول این مهم را بررسی می‌کند. فرضیه مقاله عبارت است از اینکه دیپلماسی اقتصادی اسرائیل با استفاده از زیرساخت‌های امنیتی و تجاری موجود، در گام نخست سعی در بهبود روابط تجاری و درنهایت دستیابی به صلح سیاسی دارد. کاربست الگوی مفهومی دیپلماسی اقتصادی با کمک روش توصیفی - تحلیلی ضمن تأیید این فرضیه، نشان داد که اسرائیل در سال‌های گذشته، نهادهایی را برای مدیریت روابط اقتصادی خود در منطقه ایجاد کرده است. این نهادها با شبکه‌سازی و تصویرسازی از اسرائیل به‌عنوان یک کنشگر مطلوب و صلح‌جو، زمینه‌ساز صلح و عادی‌سازی روابط سیاسی بوده‌اند. یافته‌ها نشان داد که منطقه خلیج فارس، از جمله مهم‌ترین پرونده‌ها در دیپلماسی اقتصادی اسرائیل به‌شمار می‌رود که تاکنون به عادی‌سازی روابط با امارات متحده و بحرین کمک کرده است. این مهم در آینده برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک تهدید تلقی شده و روابط اقتصادی تهران با دولت‌های حاشیه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل، دیپلماسی اقتصادی، خلیج فارس، سیاست خارجی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
karimipour.d@chmail.ir

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره دوم، ۵۷۹-۵۵۱.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

اسرائیل از ابتدای تأسیس تا پیش از دهه ۱۹۹۰، فرصت چندانی برای حضور و نفوذ در بازارهای اقتصادی منطقه‌ای نداشت. این در حالی بود که نیاز اصلی و مبرم اسرائیل برای بهبود وضعیت سیاسی و امنیتی، تنها از طریق صلح سیاسی رقم می‌خورد. لذا پس از دهه ۱۹۹۰ و به‌خصوص با آغاز قرن بیست‌ویک، مقامات اسرائیلی، سعی در ورود به ترتیبات اقتصادی منطقه را داشته‌اند. این روند تاکنون ادامه داشته و به‌نظر می‌رسد به‌دلیل نوع مناسبات سیاسی و اقتصادی اسرائیل با دولت‌های عربی ادامه خواهد یافت. در این زمینه مسئله اصلی این مقاله، تأثیر دیپلماسی اقتصادی و عادی‌سازی روابط اسرائیل با دولت‌های عربی است. تحلیل سازوکارها و اهداف دیپلماسی اقتصادی اسرائیل و درک اینکه مقامات اسرائیلی چطور تلاش می‌کنند تا خود را از کنشگری منزوی، به یکی از کنشگران برتر اقتصادی منطقه تبدیل کنند، هدف اصلی مقاله است. در این مقاله، نویسنده با توجه به کاریست چارچوب مفهومی دیپلماسی اقتصادی، می‌کوشد تا مراحل و میزان تأثیرگذاری رفتار دیپلماسی اقتصادی اسرائیل بر مناسبات سیاسی و امنیتی با دولت‌های حاشیه خلیج فارس را نشان دهد. صلح ابراهیمی (*Abraham Accords*) و توافقات صورت گرفته میان اسرائیل، امارات و بحرین می‌تواند به‌عنوان یکی از پیامدهای جدی گسترش نفوذ و موفقیت دیپلماسی اقتصادی اسرائیل به‌شمار آید.

۲. پیشینه تحقیق

احمدی (۱۳۹۶) در «اسرائیل و کشورهای پیرامونی، نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی» به تأثیر روابط اقتصادی اسرائیل بر مناسبات امنیتی اسرائیل و کشورهای عربی پرداخته است. از دیدگاه وی، اقتصاد صرفاً پوششی برای فعالیت‌های جاسوسی و امنیتی اسرائیل است و اصالت ندارد. درحالی‌که در این مقاله، مناسبات اقتصادی صرفاً پوششی نیست و اسرائیل با کمک ابزارهای مختلف تلاش می‌کند تا از روزنه

اقتصاد، به سوی عادی‌سازی روابط حرکت کند. عیوضی (۱۳۸۳) در «استراتژی اقتصادی اسرائیل در خاورمیانه عربی» به نقد این ایده که اسرائیل به سوی هژمونی اقتصادی حرکت نمی‌کند، پرداخته و معتقد است هدف نهایی اسرائیل، سلطه اقتصادی بر دولت‌های منطقه است. در منابع لاتین نیز می‌توان به چند پژوهش در این رابطه اشاره کرد. لاوی و جیل (۲۰۱۳) در «سیاست تجارت خارجی اسرائیل، مزایای اصلاحات آن» رویکردی ساختاری به منظور اصلاح و تقویت تجارت خارجی اسرائیل در پیش گرفته‌اند. این مقاله، با رویکردی کمی، درصدد است تا سیاست تجاری بهینه اسرائیل را ترسیم کند. مؤسسه تونی بلر برای تغییر جهانی (۲۰۱۸) در گزارشی با عنوان «ارزیابی تجارت اسرائیل با همسایگان عربی» به کمیت و چگونگی فعالیت بازرگانان عربی و اسرائیلی پرداخته است. نقطه اصلی تحلیل این گزارش بر روابط بازرگانان فلسطینی و اسرائیلی و همچنین ارائه فهرستی از کالاهای مبادلاتی میان دو طرف است. دابرز و همکاران (۲۰۱۸) در «همگرایی اقتصادی در خاورمیانه: تجارت مواد غذایی تازه میان اسرائیل و فلسطین» به بررسی تجارت غذا میان اسرائیل و فلسطین پرداخته و معتقد است روند آتی سبب همگرایی اقتصادی میان دو طرف خواهد شد. به اعتقاد نویسندگان مقاله، که بیشتر مطالعات کشاورزی داشته‌اند، روند افزایش مبادلات محصولات کشاورزی میان اسرائیل و فلسطین می‌تواند ناملازمات سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد و حل و فصل کند. در گزارش پژوهشی اندیشکده میتویم به قلم بارتنان (۲۰۲۰) با عنوان «نقش اقتصاد در تلاش‌های آمریکا برای بهبود صلح عربی - اسرائیلی» نویسنده فارغ از سیاست اقتصادی اسرائیلی، به نقش دولت آمریکا در این زمینه می‌پردازد. وی تلاش‌های آمریکا را در سه رکن صلح تجاری، صلح سرمایه‌داری و ابزار اقتصادی دولت قرار داده است. در واقع این مقاله دیپلماسی اقتصادی آمریکا را برای عادی‌سازی مناسبات اسرائیل و دولت‌های عربی مدنظر قرار داده است.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، تاکنون به دیپلماسی اقتصادی اسرائیل به‌طور مستقل و

به‌ویژه پس از صلح ابراهیمی توجه نشده است. مقاله حاضر، علاوه بر تبیین روابط اقتصادی اسرائیل، می‌کوشد تا سازوکارهای به‌کارگرفته شده از سوی تل‌آویو را برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود در منطقه موşkافی کند که از این حیث دارای نوآوری است.

۳. چارچوب مفهومی

هرچند در ادبیات کلاسیک روابط بین‌الملل به دیپلماسی اقتصادی کم‌تر توجه شده است، اما به هیچ وجه پدیده جدیدی نیست. مدت‌ها پیش از تأسیس نهادهای سیاست خارجی و دیپلماسی در دولت‌های امروزی، دیپلماسی اقتصادی ابزاری برای تنظیم روابط خارجی دولت‌ها بوده است (Heijmans, 2013: 24). دیپلماسی اقتصادی فعالیتی چند بعدی است که هرچند در مقام توصیف، آسان به‌نظر می‌رسد، اما دشواری‌های فراوانی دارد. می‌توان گفت، دیپلماسی اقتصادی صرفاً کنشی منحصر به فرد نیست، بلکه جمعی از اقدامات به‌هم پیوسته است که هدف از آن تأمین منافع خارجی یک کشور است (Rana and Chatterjee, 2018: 6). دیپلماسی اقتصادی، مجموعه اقداماتی است که با فعالیت‌های اقتصادی برون‌مرزی، نقش‌آفرینان دولتی و غیردولتی در جهان واقعی ارتباط دارد. ویژگی عصر حاضر، درهم‌تنیدگی روابط چندجانبه بین دولت‌ها و مردم در سراسر جهان است. این ویژگی سبب شده تا فرصت‌های بازرگانی شگرفی در بازارهای نوظهور پدید آید و در نتیجه توجه سیاستمداران را به خود جلب کند (برژیک، ۱۳۹۴: ۶۳). به دلیل اینکه دیپلماسی اقتصادی زمانی با کنشگران دولتی و منافع دولتی پیوند داشته، به ابزارهای سنتی دیپلماتیک نیز پایبند است. در واقع دیپلماسی اقتصادی بیشتر یک کنش و رفتار میان‌دولتی است که به‌وسیله نهادهای فعال در سیاست خارجی و به‌منظور ابزاری برای پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی مدیریت می‌شود (Donna and Hocking, 2010: 6). در این میان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دیپلماسی اقتصادی را باید تلاش برای هم‌سوسازی میان دو کشور و پرهیز از رویکردهای انتزاعی عنوان کرد. در دیپلماسی اقتصادی، پیوندهای تاریخی و جغرافیایی به‌عنوان اصل مهمی تلقی می‌شود که زمینه را برای گسترش روابط اقتصادی فراهم می‌کند. درعین حال، برخی

معتقدند، دیپلماسی اقتصادی را باید دیپلماسی وابستگی نام نهاد؛ چراکه درنهایت به ترویج و تحکیم وابستگی متقابل میان دولت‌ها می‌انجامد (Chatterjee, 2020: 2). به‌منظور این دیپلماسی اقتصادی طیفی از ابزارهای مختلف را برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند. مذاکرات غیررسمی، همکاری‌های داوطلبانه، ایجاد نهادهای تنظیم‌گر از جمله این ابزارهاست. معمولاً در عرصه دیپلماسی اقتصادی پیشرفت محصول اقلان و موافقت‌نامه‌های دوجانبه است (Bayne and Woolcock, 2017: 52).

دیپلماسی اقتصادی را می‌توان در دو سطح کلی تقسیم‌بندی کرد. در هرکدام از سطوح دیپلماسی اقتصادی، می‌توان شاهد اهداف و راهبردهای متفاوتی بود. در سطح ملی، مهم‌ترین هدف دیپلماسی اقتصادی، دستیابی به ترتیبات سودمند متقابل است که اثر سرریزی دارد و به تقویت روابط خارجی میان دو طرف می‌انجامد. اما در سطح بین‌المللی، هدف دیپلماسی اقتصادی توسعه چارچوب‌های قانونی تحت عنوان کنوانسیون‌ها و یا بیانیه‌هاست. دیپلماسی اقتصادی در سطح ملی دربردارنده تاکتیک‌ها و راهبردهایی است که آن را از سطح بین‌المللی متمایز می‌سازد. در این سطح دولت‌ها دیپلماسی اقتصادی خود را مبتنی بر نقاط ضعف و قوت طرف مقابل در نظر می‌گیرند و هدف از آن به‌طور مستقیم تقویت منافع ملی است. درحالی‌که دیپلماسی اقتصادی در سطح بین‌المللی، نیازمند تبیین الزامات تدوین کنوانسیون یا مقررات جدید برای بهبود فضای مبادلات جهانی در عرصه اقتصادی است (Chatterjee, 2020: 2). دیپلماسی اقتصادی از سه مؤلفه کلیدی تشکیل می‌شود:

استفاده از نفوذ و روابط سیاسی به‌منظور توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بهبود عملکرد بازار و کاهش هزینه و ریسک تراکنش‌های فرامرزی؛

• استفاده از مزیت‌ها و روابط اقتصادی به‌منظور افزایش هزینه نظامی و تقویت منافع متقابل همکاری و ثبات بخشیدن به روابط سیاسی؛

ایجاد محیط سیاسی مطلوب در سطح ملی و بین‌المللی به‌منظور تسهیل و

نهادینه‌سازی این اهداف (Bergeijk and Moons, 2009: 2).

درعین حال، دیپلماسی اقتصادی را بیشتر در قالب یک فرایند که مراحل

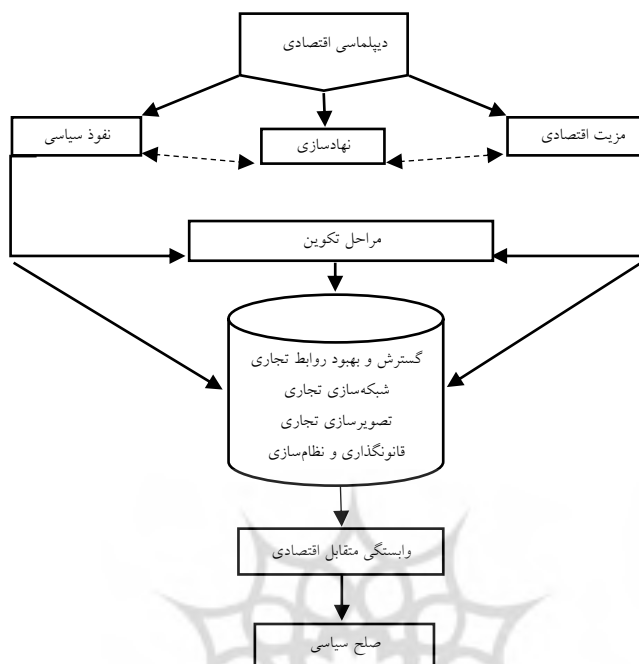
مختلفی دارد، می‌توان تحلیل کرد. دیپلماسی اقتصادی طیفی از اهداف سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کند، اما دستیابی به این اهداف به وسیله دیپلماسی اقتصادی به تدریج و طی مراحل مختلف ممکن خواهد بود. این مراحل هرچند ترتیب دارند، اما ممکن است هم‌زمان پیش روند. به‌طور کلی دیپلماسی اقتصادی در چهار مرحله توسعه یافته است:

۱. در مرحله اول، تمرکز اصلی دیپلماسی اقتصادی صرفاً بر بهبود و گسترش تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

۲. در مرحله دوم، در دیپلماسی اقتصادی کشورها به سمت شبکه‌سازی حرکت می‌کنند. این شبکه‌سازی شامل شرکت‌ها، اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها، اتاق‌های بازرگانی که به نوعی در سرمایه‌گذاری، تجارت و تولید فناوری می‌توانند نقش آفرینی کنند، خواهد بود.

۳. در گام سوم، دیپلماسی اقتصادی بر بهبود وجهه و تصویر دولت‌ها تمرکز می‌کند. در واقع در این مرحله، دیپلماسی اقتصادی توانسته با بهبود تجارت و شبکه‌سازی، به تصویرسازی مطلوب از دولت پردازد تا جریان‌های گردشگری و سرمایه‌گذاری را با این وسیله جذب کند.

۴. در گام آخر، دیپلماسی اقتصادی وارد رویکرد قانونگذاری و تعیین مقررات می‌شود. در این مرحله که در واقع نقطه اوج فعالیت‌های دیپلماسی اقتصادی است، دولت‌ها با قانونگذاری و انجام توافقات تجاری چندجانبه و دوجانبه، دستاوردهای سیاسی و اقتصادی خود را نهادینه می‌کنند (Neves, 2017: 95). با توجه به نکات اشاره شده اندیشمندان در این باره، می‌توان الگوی مفهومی دیپلماسی اقتصادی را به صورت نمودار ۱ ترسیم کرد.



مأخذ: نگارنده

نمودار ۱. مدل مفهومی دیپلماسی اقتصادی

۴. دیپلماسی اقتصادی اسرائیل

با توجه به محدودیت قلمرو جغرافیایی و همچنین منابع اندک در دسترس سران رژیم، تل آویو تلاش می‌کند رقابت‌پذیری خود در بازارهای جهانی را افزایش دهد. از این حیث سران رژیم در سال‌های گذشته، با سیاست آزادسازی تجاری به‌ویژه با کشورهای مختلف وضعیت خود را بهبود بخشید. انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری با کشورهای هم‌چون ترکیه، نروژ و کانادا بخشی از تلاش این رژیم برای بازاریابی بین‌المللی و ارتقا توان رقابت در سطح منطقه‌ای بوده است. در عین حال، سران رژیم در سال‌های اخیر، علاوه بر کشورهای توسعه‌یافته، روابط اقتصادی خود با کشورهای در حال توسعه را نیز بهبود بخشیده‌اند (Lavee, Beniad, Jantzis, 2013: 256). این تغییر در سیاست تجارت خارجی اسرائیل کمک کرد تا این رژیم، علاوه بر اینکه کشورهای بیشتری را در

معاملات خارجی روی میز بگذارد، روابط اقتصادی خود، به‌ویژه با کشورهای عرب منطقه، را افزایش دهد. موضوع دیپلماسی اقتصادی برای اسرائیل اهمیتی راهبردی دارد. با توجه به اینکه اسرائیل از منابع اندکی برخوردار است، لذا تلاش می‌کند تا با کمک دیپلماسی اقتصادی، بیشترین بهره‌مندی از منابع در دسترس خود را داشته باشد. در حال حاضر وزارت اقتصاد و امور خارجه مسئولیت اصلی هدایت دیپلماسی اقتصادی این رژیم را برعهده دارند.

راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در قبال کشورهای عربی چندلایه است. در لایه اول، اسرائیل با فعالیت اقتصادی مانع از بروز درگیری و تنش در منطقه می‌شود. در لایه دوم، دیپلماسی اقتصادی اسرائیل هرچند محدود و خرد است و بازده اقتصادی ناچیزی دارد، اما در چارچوب سیاست خارجی این رژیم دارای اهمیت استراتژیک است و تل‌آویو در این لایه می‌کوشد تا مانع از توسعه روابط ایران با این کشورها شود. در لایه سوم و یا هدف نهایی آن، تل‌آویو، دیپلماسی اقتصادی را مسیری برای عادی‌سازی روابط با این دولت‌ها می‌بیند (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۳۱). در این راستا به نظر می‌رسد اسرائیل از ابزارهای ذیل در راستای پیشبرد راهبرد دیپلماسی اقتصادی خود استفاده می‌کند.

۴-۱. نهادسازی

اسرائیل با الهام از دیپلماسی اقتصادی ایالات متحده به‌منظور توسعه دیپلماسی اقتصادی خود، آژانس توسعه همکاری‌های بین‌المللی اسرائیل را ایجاد کرده است. هدف از تأسیس این نهاد در واقع کمک به بهبود تصویر اسرائیل در جهان خارج و موفقیت تجارت این کشور در عرصه بین‌المللی است. اسرائیل با اقتباس از الگوی آمریکا تلاش می‌کند تا میان دولت و شرکت‌های اسرائیلی پیوند ایجاد کند تا این شرکت‌ها بتوانند نقش فعال‌تری در صحنه تجارت خارجی داشته باشند. این آژانس که با عنوان ماشاو (*Mashav*) فعالیت می‌کند، زیرمجموعه وزارت خارجه اسرائیل است. اسرائیل همانند

عرصه دفاعی - امنیتی، با کمک ماشاو تلاش می‌کند تا برای شرکت‌های اقتصادی خود گنبدی آهنین در مقابل تحریم، بایکوت و خروج سرمایه ایجاد کند (Mahadav, 2015: 6-7). ماشاو نهادی تخصصی برای توسعه دیپلماسی اقتصادی اسرائیل است. ماشاو مسئول طراحی، هماهنگی و اجرای برنامه‌های توسعه و همکاری دولت اسرائیل در سراسر جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. دلیل تمرکز آن بر کشورهای در حال توسعه این است که اسرائیل به‌عنوان کشوری توسعه‌یافته جوان چالش‌های این کشورها را می‌داند و تجربه‌ها و اطلاعات مربوط به حل چالش‌ها را گردآوری کرده است (Mahadav, 2015: 129). از جمله مهم‌ترین حوزه‌های نفوذ و فعالیت ماشاو را باید در همکاری با دولت خودگران فلسطین مشاهده کرد. این نهاد، با هدف قرار دادن اموری همچون توسعه اقتصادی، اشتغال آفرینی (راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک و متوسط) تقویت روابط میان دولت خودگران و بخش‌های تجاری اسرائیل، امنیت غذایی و کشاورزی، بهداشت و درمان ضمن تلاش برای توسعه روابط اقتصادی، همچنان صلح سیاسی را از دریچه روابط تجاری و اقتصادی دنبال می‌کند (Israel Government, 2007).

علاوه بر ماشاو، افتتاح دفاتر تجاری در کشورهای حاشیه خلیج فارس از دیگر اقدامات اسرائیل بوده که از سال ۱۹۹۶ شروع به فعالیت کرده است. همین روابط اقتصادی در نهایت سبب شد با وجود فشار افکار عمومی جهان عرب برای قطع روابط با اسرائیل به دنبال پیروزی حزب راست‌گرایی لیکود در انتخابات ۲۹ می ۱۹۹۶، کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل حفظ منافع اقتصادی خود با این تل‌آویو، از قطع روابط با اسرائیل خودداری کردند. این در حالی است که پیروزی حزب لیکود به معنای مخالفت جامعه اسرائیل با مذاکرات صلح فلسطین بود (Rosman, 2004: 195). در واقع اسرائیل در همین مدت توانسته بود با تأسیس دفاتر تجاری و گره زدن منافع اقتصادی این کشورها با خود، ضمن کمک به تشدید شکاف‌ها در جهان عرب، خط‌مشی این کشورها را نیز در ارتباط با خود دستخوش دگرگونی کند.

اسرائیل در دیپلماسی اقتصادی خود شرکت‌های تجاری را از ورود به بحران سیاسی باز می‌دارد و صرفاً تلاش می‌کند تا با کمک این شرکت‌ها، تصویر مطلوبی از خود به نمایش گذارد. به عبارت دیگر، اسرائیل مایل است نشان دهد شرکت‌ها نمایندگان سیاسی دولت اسرائیل‌اند، بنابراین هدف اساسی این شرکت‌ها، خودداری از ورود به بحران‌های سیاسی است تا اینکه فعالیت‌های تجاری آنها مختل و تصویر ارائه شده از آنها مخدوش نشود (Mahadav, 2015: 7).

۴-۲. شبکه‌سازی

یکی دیگر از سازوکارهای دیپلماسی اقتصادی اسرائیل، بازاریابی غیرمستقیم است. فعالیت‌های بازاریابی اسرائیل در کشورهای عربی غالباً از طریق کشوری ثالث (غالباً اردن، مصر، قبرس و ترکیه) انجام می‌شود؛ به طوری که کالاهای اسرائیلی از طریق شرکت‌های عربی صادر می‌شوند یا شرکت‌های اسرائیلی برای محصولات خود نام‌های عربی مستعار برمی‌گزینند و آن را به بازارهای عربی سرازیر می‌کنند. عمده‌ترین کشورهایی که کالاهای اسرائیلی را به کشورهای عربی صادر می‌کنند اردن و قبرس است. حتی اسرائیل با الصاق «برچسب، ساخت اردن» به کالاهای خود و صادر کردن آن به مصر از امتیاز لغو حقوق گمرکی بین مصر و اردن استفاده می‌کنند (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۲). در این میان، باید به‌طور جدی بر نقش کشور اردن در تسهیل تجارت میان اسرائیل و دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس تأکید کرد. اسرائیل در دیپلماسی اقتصادی خود با اردن می‌کوشد تا خود را از صرف جزیره‌ای اقتصادی به کنشگری فعال در نظام اقتصادی منطقه خاورمیانه تبدیل کند تا در بازار منطقه خلیج فارس سهم قابل توجهی داشته باشد. در منظومه دیپلماسی اقتصادی اسرائیل، کشور اردن به‌عنوان شاهراه ارتباطی و حلقه اتصال جغرافیایی میان مدیترانه و خلیج فارس تلقی می‌شود. اسرائیل در صدد است تا در آینده با احداث خط ریلی از کشور اردن به خلیج فارس، شبکه‌سازی اقتصادی خود را تکمیل کند (Mahadav, 2015: 29). در واقع در حال حاضر در دیپلماسی اقتصادی اسرائیل، شبکه‌ای از کشورها و

راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در منطقه خلیج فارس ... (داود کریمی‌پور) ۵۶۱

نخبگان سیاسی و امنیتی، فرایند گسترش تجارت میان اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس را پیش می‌برند.

۴-۳. تصویرسازی

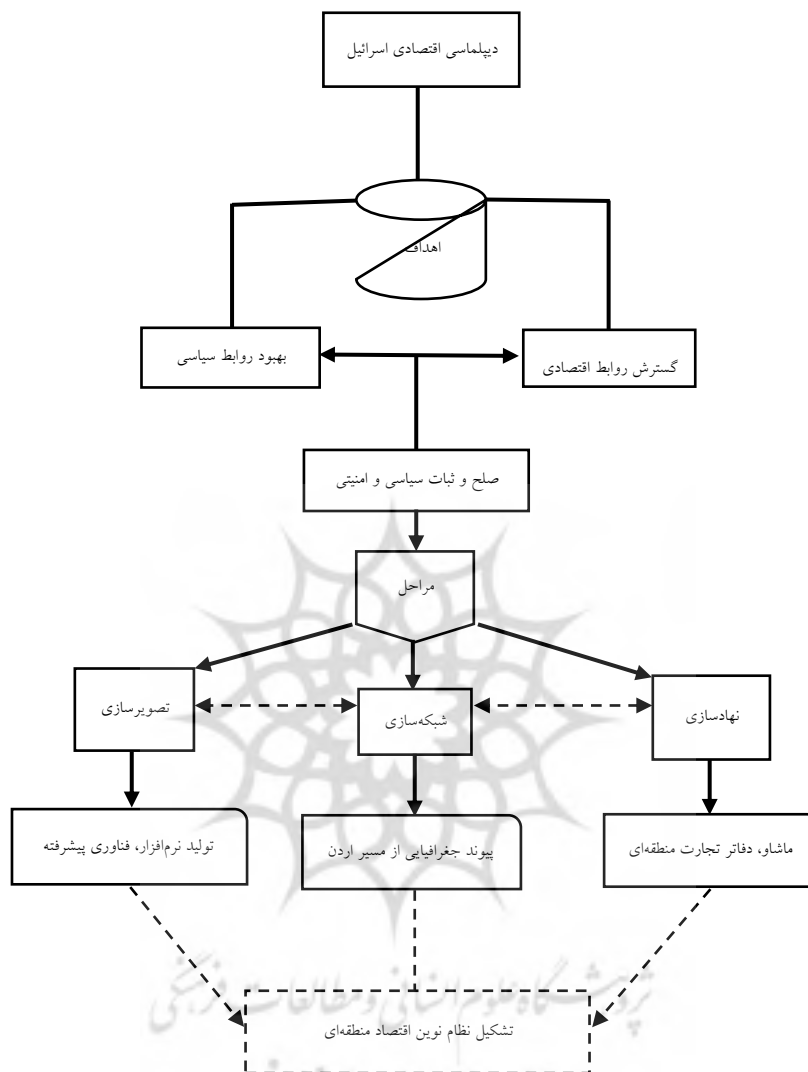
اسرائیل تلاش می‌کند تا با اشتراک‌گذاری فناوری، تقویت تجارت و بهبود روابط معنادر میان ملت‌ها، قلوب و اذهان را در مورد خود تغییر دهد. به تعبیر دیگر باید گفت، وجه مهم دیپلماسی اقتصادی اسرائیل، ترسیم چهره‌ای مطلوب از این رژیم است تا در نهایت بتواند به عادی‌سازی روابط تل‌آویو با دیگر ملت‌ها کمک کند. موفقیت این راهبرد به‌طور خاص در تغییر رویکرد دولت‌های خاورمیانه در قبال همکاری و عادی‌سازی روابط با اسرائیل مشهود است (Kazmir, 2019). می‌توان گفت، دیپلماسی اقتصادی اسرائیل توانسته با کمک دو پیشران مهم علاوه‌بر اینکه چرخ اقتصادی خود را به حرکت دریاورد، کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را به سمت همکاری‌های اقتصادی با خود ترغیب کند. این دو عامل را می‌توان به‌طور مشخص توسعه روزافزون و چشمگیر کسب‌وکارهای نوپا و فناورپایه و همچنین اکتشاف میداین بزرگ در مدیترانه شرقی دانست. پیشرفت‌های اقتصادی اسرائیل، این رژیم را تبدیل به گزینه‌ای جذاب برای کشورهای حاشیه خلیج فارس کرده و به‌نظر می‌رسد پیشران اقتصاد می‌تواند روابط دو طرف را به سمت صلح و عادی‌سازی سوق دهد. چراکه دستیابی به مناسبات صلح‌آمیز با کشورهای عربی بدون روابط اقتصادی امکان‌پذیر نیست (Telhami, 2020:5).

ترقی فناورانه این رژیم چه در فعالیت‌ها و تجهیزات نظامی و چه در زمینه‌های غیرنظامی سبب شده تا کشورهای حاشیه خلیج فارس برای ارتقای ضریب امنیت ملی و همچنین دستیابی به منافع اقتصادی با این رژیم همکاری کنند. تمایل کشورهای عربی به همکاری با اسرائیل در حالی صورت می‌پذیرد که این کشورها در سال ۱۹۵۱، بیش از ۸,۵۰۰ شرکت را به‌دلیل همکاری با دولت اسرائیل تحریم کردند (Ferziger and Bahgat,

(9-10: 2020). اما اسرائیل توانست با برخورداری از راهبرد دیپلماسی اقتصادی خود در میان کشورهای عربی نه تنها اثر این تحریم‌ها را خنثی کند، بلکه ورق بازی را از منازعه و مناقشه با همکاری اقتصادی برگرداند. از جمله مهم‌ترین عواملی که به شکست تحریم‌های اسرائیلی در میان ملل مسلمان عرب کمک کرد، تقاضای فراوان برای محصولات فناورانه اسرائیل که از مهم‌ترین آنها می‌توان به فناوری مسیریاب ویز (Waze) و همچنین برنامه پیام‌رسان واتساپ اشاره کرد، بوده است. این فناوری‌های طرفداران پرشماری در کشورهای عربی دارند. راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل همچنان توانسته، این رژیم را به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تجهیزات جاسوسی در میان کشورهای عربی تبدیل کند. در حال حاضر امارات متحده عربی، عربستان سعودی و دیگر دولت‌های خلیج فارس از جمله مهم‌ترین مشتریان شرکت‌هایی همچون گروه ان. اس. او (NSO Group) و ویرینت سیستمز (Verint Systems) به‌شمار می‌روند (Ferziger and Bahgat, 2020: 9-10).

۴-۴. نظام‌سازی و قانونگذاری اقتصادی

به نظر می‌رسد هدف نهایی اسرائیل در راهبرد دیپلماسی اقتصادی، ایجاد یک نظام اقتصادی منطقه‌ای است. اسرائیل که توانست اخیراً با دو کشور امارات و بحرین به توافق در زمینه عادی‌سازی روابط دست یابد، در عین حال می‌کوشد تا سایر کشورها را نیز در فرایند صلح ابراهیمی قرار دهد. این طرح سال‌ها پیش و از سوی شیمون پرز (Shimon Peres) مطرح شده است. وی در کتاب خود در سال ۱۹۹۳ می‌نویسد: «تحقق صلح بین اسرائیل و همسایگان عرب به صورت اساسی، محیطی مناسب را جهت سازمان‌دهی مجدد نهادهای خاورمیانه فراهم می‌سازد. پس از آنکه اعراب، اسرائیل را پذیرفتند در برابر آن مسئولیت‌پذیر می‌شوند. چنین همکاری‌هایی چهره منطقه و شرایط ایدئولوژیک آن را تغییر خواهد داد و هدف غایی ما آفریدن خانواده‌ای مرکب از امت‌های مختلف با بازاری مشترک و مدیریت مرکزی انتخابی بر مبنای اتحادیه اروپاست» (Peres, 1993: 83).



مأخذ: همان.

نمودار ۲. الگوی مفهومی دیپلماسی اقتصادی اسرائیل

این مهم نشان می‌دهد صلح ابراهیمی بیشتر به‌عنوان یک نقشه راه ترسیم شده تا یک هدف. در واقع مقامات اسرائیلی در نتیجه تعاملات اقتصادی به صلح سیاسی دست یافتند و پس از آن ایده هژمونی منطقه‌ای اسرائیل و تشکیل نظام اقتصادی مبتنی بر چارچوب‌ها و

قواعد مشترک فی ما بین کشورها را دنبال می‌کند (عیوضی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). در نمودار ۲ الگوی مفهومی دیپلماسی اقتصادی اسرائیل نمایش داده شده است.

۵. مطالعه موردی کشورها

در سال‌های اخیر سه عامل تأثیرگذار سبب شد تا روابط دولت‌های خاورمیانه عربی و اسرائیل به سمت همکاری‌های آشکار حرکت کند. به عبارت دیگر، سه عامل مهم بستر داغی را برای تقویت دیپلماسی عمومی اسرائیل در این منطقه فراهم کرده است:

الف) دشمنی با ایران و خیزش گرایش‌های تندرو عربی؛

ب) ناامید شدن از وجود یک راهکار مؤثر برای حل و فصل مناقشه فلسطین؛

ج) سیاست‌های منطقه‌ای دولت ترامپ و تأثیر روابط شخصی دولت‌مردان این کشور به‌ویژه جرد کوشنر (Jared Kushner) با شیوخ عربی (Miller, 2020: 2). در بستر این سه عامل مهم می‌توان دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در قبال کشورهای عربی را درک کرد.

۵-۱. عربستان سعودی

نمی‌توان از همکاری‌های اقتصادی اسرائیل با جهان عرب نوشت و سخنی از نقش نخبگان سعودی به میان نیاورد. عربستان سعودی به دلیل نقشی که در میان کشورهای اسلامی دارد می‌کوشد تا روابط خود را به شکل ویژه‌ای با اسرائیل تنظیم کند. جایگاه رهبری این کشور در شورای همکاری خلیج فارس سبب شد تا کشورهایی همچون بحرین، امارات، اردن و ... در سیاست خارجی‌شان از سعودی‌ها تبعیت کنند. از آنجاکه هر دو طرف ایران را به‌عنوان دشمن اصلی خود در منطقه ارزیابی کرده و همچنین نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا در غرب آسیا نیز به‌شدت آسیب‌پذیرند، این منافع و تهدیدهای مشترک سبب شده تا ریاض و تل‌آویو هرچند غیررسمی از همکاری‌های گسترده‌ای، به‌ویژه در زمینه اطلاعاتی، برخوردار باشند که در سال‌های اخیر به عرصه اقتصادی نیز تسری یافته است. با وجود اینکه در داده‌های تجارت

خارجی اسرائیل هیچ تجارت مستقیمی میان این رژیم و عربستان سعودی ثبت نشده است، اما تحلیل جریان کالا از طریق کشورهای ثالث نشان می‌دهد میزان واقعی تبادلات اقتصادی نزدیک به ۱ میلیارد دلار است که می‌تواند تا ۲۵ میلیارد دلار نیز افزایش یابد (Black, 2019: 10). البته رقم ۱ میلیارد دلار تجارت خارجی در کوتاه‌مدت تأثیر بسزایی نخواهد داشت. بنابراین احتمال دارد اسرائیل برای دستیابی به اهداف سیاسی و امنیتی خود، از رهگذر دیپلماسی اقتصادی، به تجارت کالاهای راهبردی با عربستان سعودی روی آورد.

دولت مردان سعودی برای تأمین امنیت سایبری زیرساخت‌های حیاتی خود، به‌ویژه تأسیسات نفتی، همکاری‌های نزدیکی را با شرکت‌های اسرائیلی پی‌ریزی کردند. به‌ویژه پس از هک شدن سامانه‌های کامپیوتری شرکت آرامکو، بازرگانان اسرائیلی توانستند رد پای خود در عرصه سایبری و امنیتی سعودی را تحکیم ببخشند. در واقع دو طرف توانسته‌اند روابط اقتصادی خود را مبتنی بر چالش‌های امنیتی دوجانبه تعریف کنند. به‌طور مثال، گزارش‌هایی هست که نشان می‌دهد جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار به قتل رسیده در سفارت عربستان در ترکیه، به‌وسیله نرم‌افزار فروخته شده شرکت ان او اس اسرائیل به عربستان، تحت تعقیب قرار گرفته بود. اسرائیل به‌طور پی‌درپی از طریق آفریقای جنوبی به عربستان پهپاد صادر کرده است. همچنین خبرهای به‌دست آمده نشان می‌دهد تل‌آویو برای دفاع از عربستان در برابر حمله‌های موشکی حوثی‌های یمن، به این کشور سامانه گنبد آهنین فروخته است (Black, 2019: 10).

راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در قبال عربستان سعودی به‌صورت پنهانی و معمولاً از طریق کشور ثالث دنبال شده است. اما در سال‌های اخیر ابعاد اقتصادی روابط تل‌آویو - ریاض بیش از پیش آشکار شده است. روابط اقتصادی با عربستان سعودی که نقش تأثیرگذاری در میان کشورهای عربی دارد، می‌تواند به‌عنوان یک اهرم فشار برای نفوذ اقتصادی اسرائیل در منطقه به‌شمار آید. پایه روابط اقتصادی اسرائیل و عربستان سعودی به‌طور مشخص با «ابتکار فهد» و در اجلاس مادرید در سال ۱۹۹۱

گذاشته شد. طی این اجلاس، مقامات دو طرف در چندین کارگروه به‌طور مشترک شرکت کردند و در ابعاد مختلفی از جمله آب، محیط زیست، اقتصاد، کنترل تسلیحات و پناهندگان به توافقات مهمی دست یافتند (Dekel and Guzansky, 2013: 1).

اسرائیل از روابط اقتصادی با عربستان به‌مثابه یک نقطه اتکای مهم و تأثیرگذار در جهان عرب بهره می‌برد. در واقع روابط سعودی - اسرائیلی به‌مثابه یک نقطه الهام‌دهنده و انگیزه‌بخش برای کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌شمار می‌رود تا بتوانند از سرمایه‌گذاران اسرائیلی برای ورود به اقتصاد خود دعوت کنند. از سوی دیگر با توجه به جایگاه عربستان سعودی، کشورهای عرب منطقه برای همکاری با اسرائیل به روابط عربستان با تل‌آویو متکی‌اند. علاوه بر کشورهای عربی، مصر و پاکستان نیز به کمک‌های اقتصادی اسرائیل وابسته‌اند و از حیث این، روابط اقتصادی با عربستان سعودی هموارکننده مسیر برای گسترش مناسبات با این کشورهاست (Siddiqi, Hassan and Khan, 2020: 8).

بنابراین باید دانست دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در کشورهای عربی، از مجرای همکاری با دولت سعودی می‌گذرد و تنها یک رابطه اقتصادی دوسویه نیست. به‌طور مثال، اسرائیل برای استفاده از مسیرهای زمینی و هوایی اردن، برای تجارت منطقه‌ای، باید موافقت عربستان سعودی را جلب کند (Gal, 2018: 4). اسرائیل از سازوکارهای خاصی در تجارت با دولت سعودی بهره می‌برد. مهم‌ترین وجه روابط اقتصادی اسرائیل با عربستان سعودی، تکیه بر همکاری دستگاه‌های اطلاعاتی عربستان و موساد است. از جمله سازوکارهای تأثیرگذار اسرائیل برای گسترش روابط اقتصادی با عربستان سعودی تکیه بر دیپلماسی غیررسمی و روابط فردی است. در واقع ارتباط نزدیک با نخبگانی چون انور عشقی و ترکی فیصل نقش بسیار پررنگی در بسط روابط سیاسی و اقتصادی اسرائیل با عربستان سعودی داشته است. عربستان سعودی و اسرائیل در حال حاضر در عرصه‌هایی چون پزشکی، اقتصاد و فناوری با یکدیگر همکاری نزدیک و کاملاً محرمانه‌ای دارند (Podeh, 2018: 582). طبق آخرین داده‌های به‌دست آمده از

تجارت اسرائیل با عربستان سعودی، کمیسیون تجارت سازمان ملل در ژانویه ۲۰۲۱، آمار مندرج در جدول ۱ را منتشر کرده است.

جدول ۱. فهرست کالاهای صادراتی اسرائیل به عربستان سعودی

سال	ارزش	کالاهای صادراتی
۲۰۱۷	۴۲ هزار دلار	چربی‌ها و روغن‌های حیوانی، گیاهی
۲۰۱۶	۵۹ هزار دلار	قهوه، چای، جفت و ادویه‌جات ترشی‌جات
۲۰۱۳	۷۰ هزار دلار	تجهیزات برقی، الکترونیکی
۲۰۱۳	۲۳ هزار دلار	مروارید، سنگ‌های قیمتی، فلزات، سکه
۲۰۱۳	۱۹ هزار دلار	دستگاه‌های نوری، عکس، فنی، پزشکی
۲۰۱۳	۱۰۰۰ دلار	روغن‌های اساسی، عطر، مواد آرایشی، لوازم بهداشتی
۲۰۱۲	۱۲ هزار دلار	پوشاک و بافتنی
۲۰۱۲	۳ هزار دلار	لاستیک
۲۰۱۲	۲ هزار دلار	مبلمان، علائم روشنایی، سازه‌های پیش‌ساخته
۲۰۱۲	۱۰۰۰ دلار	ماشین‌آلات، دیگ‌های بخار

Source: <https://tradingeconomics.com>

همان‌طور که در بررسی روابط اقتصادی اسرائیل با عربستان سعودی یاد شد، بخش عمده تجارت این دولت با اسرائیل کاملاً سری و بدون درج نام و نشان اسرائیل روی کالا انجام می‌شود و عملاً امکان ردیابی و آماردهی از آن وجود ندارد. از حیث این باید خاطرنشان کرد که جدول ۱، صرفاً آمارهایی است که توسط سازمان ملل به‌دست آمده و قابلیت استناد پیدا کرده است. بخش مهم دیگر روابط تل‌آویو - ریاض به عرصه انرژی بازمی‌گردد. دو طرف از گذشته تلاش کرده‌اند تا مسیرهای مشترکی برای ترانزیت نفت داشته باشند. از یک‌سو عربستان سعودی تلاش می‌کند تا ظرفیت خط لوله شرق به غرب خود را که هم‌اکنون ۵ میلیون بشکه در روز است به ۷ میلیون بشکه افزایش دهد. این خط لوله مهم‌ترین پروژه انتقال منابع نفتی عربستان از شرق به غرب است که آن را خط لوله شرقی - غربی می‌نامند. دلیل اهمیت آن ظرفیت بالای

این خط لوله است که نفت خام استحصالی در شرق این کشور را از طریق مجتمع عبیق (*Abqiq*) به واحدهای پالایشی و پایانه‌های صادراتی در غرب این کشور صادر می‌کند. این در حالی است که خط لوله شرقی - غربی عربستان سعودی در نقطه غربی خود به خط لوله ایلات - اشکلون اسرائیل اتصال پیدا می‌کند و به این ترتیب اسرائیل می‌تواند بار دیگر این مسیر انتقال انرژی را احیا کند (*Ferziger and Bahgat, 2020: 13*).

۵-۲. اردن

نگاه اسرائیل به اردن از منظر اقتصادی، بیشتر به عنوان یک تسهیل‌کننده برای دستیابی به بازار کشورهای خلیج فارس است. برخی معتقدند مثلث اقتصادی اسرائیل، اردن و فلسطین، سرزمین فلسطین و اردن را به دروازه صادرات کالاهای اسرائیلی به کشورهای عربی تبدیل خواهد کرد. اسرائیل در دیپلماسی اقتصادی خود با اردن می‌کوشد تا خود را از یک جزیره اقتصادی صرف به کنشگری فعال در نظام اقتصادی خاورمیانه تبدیل کند تا بتواند در بازار منطقه خلیج فارس سهم قابل توجهی به دست آورد. به عبارت دیگر، در دیپلماسی اقتصادی اسرائیل، اردن نقش یک تسهیل‌کننده و دروازه ورود به خلیج فارس را بازی می‌کند (*Gal, 2018: 5*).

۵-۳. امارات متحده عربی

دیپلماسی اقتصادی اسرائیل با امارات متحده قدمتی نزدیک به ۳۰ سال دارد. اسرائیل از ابتدای دهه ۱۹۹۰، با بهره‌گیری از راهبردهای مشخص خود، تلاش کرد تا جای خود در بازار امارات باز کند و اکنون این کشور تبدیل به مهم‌ترین شریک تجاری اسرائیل در منطقه شده است (*Wachsberger, 2021: 1*). بهبود روابط دو طرف هرچند با تأسیس دفتر تجاری اسرائیل در امارات شروع شد، اما به طور مشخص با مرگ شیخ زاید، حاکم ابوظبی، شکوفا شد. دو طرف با انعقاد مناقصه‌ای مشترک بین شرکت دی پی (*DP*) دویی و *زیم* (*Zim*)، بزرگ‌ترین هلدینگ کشتیرانی اسرائیل، به طور رسمی همکاری‌های اقتصادی خود را به طور چشمگیری افزایش دادند (*Ulrichsen, 2016: 5*).

در این میان ارتباطات میان فردی اسرائیل و امارات نقش ویژه‌ای در گسترش روابط دوجانبه داشته است. گروه‌های اماراتی و بحرینی در دوره‌های مسابقاتی که در سال ۲۰۱۸ در اسرائیل برگزار شد، شرکت کردند. در مقابل نیز، گروه‌ها و هیئت‌های اسرائیلی حضور روبه افزایشی را در خاک امارات داشته‌اند. بازرگانان اسرائیلی که اغلب با گذرنامه‌های جعلی به امارات سفر می‌کنند، تمرکز ویژه‌ای بر دادوستد فناوری‌های پیشرفته، امنیت سایبری، تجهیزات پزشکی و صنعت الماس دارند. شرکت بین‌المللی ای. جی. تی. (AGT) متعلق به یک سرمایه‌دار اسرائیلی به نام ماتی کوخاوی (Mati Kokhavi) به‌طور مکرر گزارش داده که ذیل برنامه «چشم شاهین» تجهیزات الکترونیکی و اطلاعاتی را با ارزش ۸۰۰ میلیون دلار برای حفاظت از مرزهای و میادین نفتی امارات به این کشور فروخته است (Black, 2019: 11).

اسرائیل توانست با هراس‌افکنی از ایران و اخوان‌المسلمین در منطقه، روابط اقتصادی خود با امارات متحده عربی را در بخش امنیتی به‌طور ویژه‌ای توسعه دهد. امارات پایگاه اقتصادی اسرائیل در منطقه خلیج فارس است. به‌گونه‌ای که شرکت چک پوینت اسرائیل که در امارات مستقر است، بیش از یک دهه در خلیج فارس فعالیت داشته است و از ظرفیت‌های امارات برای استخدام نیرو و همچنین نفوذ در بازار اقتصادی کشورهای دیگر این منطقه استفاده می‌کند (Wachsberger, 2021: 2). اسرائیل تلاش می‌کند تا با استفاده از موقعیت خاص امارات و اتصال این کشور به تجارت دریایی، روابط اقتصادی خود با مصر و اردن را نیز تقویت کند. دویی از دانش بالایی در لجستیک، زنجیره تأمین و عرضه در مسیرهای دریایی و همچنین گردشگری برخوردار است و این توان کمک می‌کند تا قدرت مانور دریایی اسرائیل برای تجارت منطقه‌ای به‌طور چشمگیری افزایش یابد (Wachsberger, 2021: 3).

همچنین از جمله محورهای مهم دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در منطقه خلیج فارس، کمک گرفتن از نفوذ افراد و شخصیت‌های دولت ترامپ برای بهبود روابط با دولت‌های عربی، به‌ویژه امارات، بود. به‌عبارت‌دیگر، آمریکا، بانفوذترین کنشگر در عادی‌سازی

روابط اسرائیل و امارات متحده عربی به شمار می‌رفت (Smith, 2020: 3). تحلیل‌ها نشان می‌دهد انگیزه‌های اقتصادی مهمی پشت تلاش اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با امارات وجود داشته است. اقتصاد امارات عمدتاً بر واردات متکی بوده و با توجه به حجم اقتصاد این کشور و زیرساخت‌های توسعه‌یافته، از جمله بنادر دریایی، اسرائیل در دیپلماسی اقتصادی خود نقش ویژه‌ای برای امارات قائل است (Zaga, 2021: 78).

از پیامد عادی‌سازی روابط، احتمالاً تا چندی دیگر، اسرائیل به بزرگ‌ترین شریک تجاری امارات و برعکس تبدیل خواهند شد. امارات به شدت علاقه‌مند و مشتاق به همکاری با اسرائیل در بخش فناوری بوده و اساساً یکی از انگیزه‌های اصلی امارات برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو نیز دسترسی به فناوری‌های پیشرفته است. از یک سو، شرکت اپکس (Apex) امارات قراردادی را با گروهی از شرکت‌های اسرائیلی و از جمله شرکت تیرا (Tera) برای تولید واکسن کووید ۱۹ انعقاد کرده و از سوی دیگر اسرائیل نیز به شدت به نفوذ در بازار شیخ‌نشینان ثروتمند مشتاق است. امارت در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، پس از عربستان، دومین اقتصاد بزرگ را دارد. در واقع انگیزه‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پیشران‌ها در تلاش اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با امارات بوده است (Victor Muhamad, 2020: 9-10). پس از این توافق، رسانه‌ها از مجوز صادرات محصولات کشاورزی اسرائیل به امارات خبر دادند. این در حالی است که بخش گسترده‌ای از روابط اقتصادی اسرائیل با امارات به‌طور سری دنبال شده و یا با کمک کشورهای ثالث انجام می‌پذیرد. برای مثال تجارت الماس سهم قابل توجهی از دیپلماسی اقتصادی اسرائیل با امارات را تشکیل می‌دهد که عمدتاً به نام دو کشور سوئیس و بلژیک به ابوظبی صادر می‌شود (Wachsberger, 2021: 3).

بخش مهم دیگری از تلاش دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در قبال امارات تلاش این رژیم برای تأمین نفت خود است. اسرائیل در حال حاضر برای تأمین نفت دو پالایشگاه خود ناگزیر به واردات نفت از روسیه، آذربایجان، ایالات متحده آمریکا و غرب آفریقا است. سران تل‌آویو تلاش می‌کنند تا با عادی‌سازی روابط با امارات،

انرژی مورد نیاز این پالایشگاه‌ها را از خلیج فارس تأمین کنند. بنابراین به موجب این توافق، امارات به نخستین دولت عربی تبدیل می‌شود که به‌طور رسمی به اسرائیل نفت صادر می‌کنند. پالایشگاه بازان در حیفا روزانه به ۲۰۰ هزار بشکه نفت نیازمند است و پالایشگاه آشدود در جنوب اراضی اشغالی روزانه ۹۰ هزار بشکه نفت مصرف می‌کند از این پس نفت مورد نیاز این پالایشگاه‌ها از خلیج فارس تأمین می‌شود. این در حالی است که امارات متحده عربی در حال حاضر توانایی صادرات بیش از ۲ میلیون بشکه نفت خام در روز را دارد که با چنین ظرفیتی می‌تواند به تأمین‌کننده غالب نفت پالایشگاه‌های اسرائیل تبدیل شود. امارات می‌تواند از مسیر خط لوله ایلات - اشکلون نیز نفت مورد نیاز اسرائیل را تأمین کند. این رویداد نقش اسرائیل را به‌عنوان یک هاب ترانزیت انرژی به‌شدت گسترش می‌دهد. با توجه به ظرفیت‌های قابل توجه، امارات می‌تواند در تقویت جایگاه و اهرم انرژی اسرائیل به‌شدت کارآمد باشد (Tronche and Colover, 2020).

۴-۵. قطر

قطر به دلیل سیاست خارجی منعطفی که در منطقه غرب آسیا دنبال می‌کند، از دیرباز روابط سیاسی و اقتصادی خود با اسرائیل را دنبال می‌کند. قطر از جمله نخستین کشورهای عربی در منطقه است که روابط اقتصادی خود را به‌طور چالش‌برانگیزی با اسرائیل شروع کرده است. روابط اقتصادی قطر با اسرائیل پس از پیوستن این کشور به توافق کوزو - اسرائیل، فلسطین در سال ۱۹۹۵ شروع شد. دو سال بعد، وزیر تجارت اسرائیل از قطر بازدید کرد که موجب نارضایتی سران عرب شد (Zarghami Khosravi, Zakerian Amiri, Barzegar, Kazemi 2019: 70). این کشور که سال‌های سال از جمله تأمین‌کنندگان گاز اسرائیل بوده، در بحران سوریه نیز به‌گونه‌ای نقش‌آفرینی کرد که منافع اقتصادی اسرائیل دچار مخاطره نشود. در واقع یکی از انگیزه‌های اصلی قطر در حمایت از معارضین سوری، تلاش برای احداث خط لوله گاز به ترکیه و اتصال اسرائیل به آن

بود. این کشور درعین حال از جمله مقاصد اصلی صادرات کالاهای اسرائیلی است که در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. صادرات اسرائیل به قطر

سال	ارزش محموله	کالاهای صادراتی اسرائیل به قطر
۲۰۱۸	۷ هزار دلار	سنگ، گچ، سیمان و مصالح ساختمانی
۲۰۱۶	۱۸ هزار دلار	مبلمان، علائم روشنایی، سازه‌های پیش‌ساخته
۲۰۱۳	۲۰۰ هزار دلار	دستگاه‌های نوری، عکس، تجهیزات پزشکی،
۲۰۱۳	۱۳ هزار دلار	تجهیزات برقی
۲۰۱۳	۷۲ هزار دلار	روغن‌های اساسی، عطر، لوازم آرایشی و بهداشتی
۲۰۱۳	۵۲ هزار دلار	ماشین‌آلات، راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار
۲۰۱۲	۷ هزار دلار	کتاب، روزنامه
۲۰۱۲	۷ هزار دلار	فراورده‌های آهن و فولاد
۲۰۱۱	۴ هزار دلار	کاغذ، مقوا
۲۰۱۰	۲ هزار دلار	پوشاک

Source: (Zarghami Khosravi, Zakerian Amiri, Barzegar, Kazemi 2019: 70).

با توجه به اینکه یکی از اصول راهبرد دیپلماسی اقتصادی، سری‌سازی و انتقال صادرات به‌وسیله کشورهای ثالث است، بنابراین می‌توان برداشت کرد که آمارهای اعلام شده، تنها بخشی از کالاهای صادراتی اسرائیل به قطر است و نمی‌تواند نمایانگر حجم واقعی صادرات کالا از اسرائیل به قطر باشد. از جمله دلایل بر این مدعا آن است که

اسرائیل از سال ۱۹۹۶ در دوحه دفتر تجاری دارد و طبیعتاً با وجود دفتر و نمایندگی اسرائیل در قطر نمی‌توان انتظار چنین حجم اندکی از مناسبات را داشت (Avidar, 2020). در واقع باید خاطر نشان کرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل با این کشور از طریق کشورهای ثالث و یا شرکت‌های ثبت نشده انجام گرفته است (Yaari, 2020: 10). این در حالی است که مقایسه کالاهای صادراتی اسرائیل به قطر با عربستان سعودی، نشان‌دهنده شباهت آنها بوده و این مهم گویای این واقعیت است که اسرائیل در تجارت با این کشورها از الگوی مشخصی پیروی می‌کند. از جمله نکاتی که اسرائیل در تجارت با قطر دنبال می‌کند، استفاده از سرمایه‌های هنگفت و روابط خوب این کشور با حماس و همچنین تلاش این کشور برای تبدیل شدن به یک کنشگر واسطه‌ای در منطقه است. همین روابط سبب شد تا قطر در مارس ۲۰۲۱ در توافقی با مقامات اسرائیل، سرمایه‌گذاری ۶۰ میلیون دلاری برای صادرات گاز میدان لویاتان به غزه را بپذیرد (Qasim, 2021).

برخی گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد همکاری اقتصادی اسرائیل و قطر در غزه می‌تواند مقدمه‌ای برای روابط میان دو طرف باشد (Bob, 2020). این مهم به‌خوبی نشان می‌دهد اسرائیل چگونه با ابزار دیپلماسی اقتصادی ضمن اینکه به‌سمت بهبود روابط با دولت فلسطین و حماس حرکت می‌کند، به‌سمت عادی‌سازی روابط با دولت‌های خاورمیانه عربی گام برمی‌دارد. همچنین اقتصاد دانش - بنیان اسرائیل و برخورداری از فناوری‌های پیشرفته به‌ویژه در زمینه شهرهای هوشمند سبب شده تا قطر برای برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ روی همکاری با تل‌آویو حساب کند. شرکت‌های اسرائیلی علاوه بر فناوری‌های پیشرفته، تجربه خوبی در زمینه امنیت سایبری دارند و همین سبب شده تا قطر از دانش طرف مقابل استفاده کند. دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در قبال قطر از دو هدف کلی پیروی می‌کند: اول آنکه قطر می‌تواند نیاز شرکت‌های اسرائیلی به فراورده‌های پتروشیمی را تأمین کند و دوم تأمین مالی کسب‌وکارهای نوپا که به نظر اسرائیل، قطر می‌تواند به توسعه و رشد استارت‌آپ‌ها در داخل این رژیم کمک کند (Yaari, 2020: 11). بنابراین اسرائیل به‌طور جدی توسعه روابط اقتصادی با این دولت عربی را در دستور کار قرار داده است.

۵-۵. بحرین

بحرین کشور دیگری است که پس از سال‌ها روابط مخفیانه با اسرائیل، در نهایت به سمت آشکارسازی روابط خود با این رژیم رفت. بی‌شک عوامل متعددی در این زمینه نقش داشته که مهم‌ترین آنها تلاش دو طرف برای گسترش نفوذ و مناسبات اقتصادی است. بحرین در سال‌های اخیر، اکتشافات بزرگی در زمینه انرژی داشته و با توجه به موقعیت مهم این کشور در خلیج فارس، اسرائیل که از فناوری‌های پیشرفته‌ای برای برداشت ذخایر شیل برخوردار است، این کشور را به‌عنوان یکی دیگر از اهداف دیپلماسی اقتصادی خود مدنظر قرار داده است. اسرائیل توانست با استفاده از وضعیت اقتصادی وخیم بحرین از یک‌سو و همچنین نفوذ اقتصادی در منطقه خلیج فارس، عادی‌سازی روابط با این دولت عربی را نهایی سازد. از نظر بحرین، شرکت‌های اسرائیلی، تسلیحات و فناوری‌های پیشرفته این رژیم در برداشت و تولید انرژی می‌تواند وضعیت نابسامان اقتصادی بحرین که با کاهش فروش نفت در دوره کرونا و همچنین پیامدهای بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۹ دچار بحران شده را بهبود ببخشد (حمزه، ۱۳۹۹).

بحرین که طی سال‌های گذشته، توانسته وضعیت ذخایر انرژی خود را بهبود ببخشد، می‌تواند از جمله صادرکنندگان نفت به اسرائیل باشد که از نظر منابع نفتی دچار کمبود است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد احتمالاً در سال ۲۰۲۱ واردات نفت و آلومینیوم از بحرین به مقصد اسرائیل با رشد چشمگیری همراه خواهد بود. اسرائیل همچنان برای رشد صنعت گردشگری در بحرین نیز توافقنامه دوجانبه‌ای امضا کرده است که همه این تحولات محصول رایزنی ایالات متحده و تعاملات میان نخبگان اقتصادی بحرین و اسرائیل است. در این میان نمی‌توان از نفوذ عربستان برای عادی‌سازی روابط با بحرین گذشت. همان‌طور که در ابتدای این بررسی اشاره شد، هرگونه بهبود روابط اسرائیل با کشورهای عربی، نیازمند تأیید عربستان است و همین مهم سبب شده تا اسرائیل بتواند روابط خود با بحرین را توسعه بخشد. با توجه به تسهیلات و مزیت‌های اقتصادی

موجود میان، بحرین و دولت سعودی، عادی‌سازی روابط با بحرین به معنای دروازه ورود اسرائیل به بازار عربستان سعودی خواهد بود (Marks, 2020). آنچه در رابطه با دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در قبال بحرین کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، اقلیت یهودی ساکن در این کشور است که تل‌آویو در سال‌های گذشته با برنامه‌ریزی تلاش کرد تا نقش این اقلیت را در سیاست و اقتصاد بحرین تقویت کند. جمعیت یهودی بحرین، تنها اقلیتی یهودی در جنوب خلیج فارس است که اسرائیل تلاش می‌کند با کمک آن، نفوذ خود را در این منطقه تقویت کند (Henderson, 2019: 1). با وجود این اقلیت یهودی و با حمایت‌های دولت بحرین، به نظر می‌رسد باید شاهد گسترش چشمگیر و روزافزون روابط اقتصادی اسرائیل با بحرین بود.

۶. نتیجه‌گیری

اسرائیل طی چند دهه گذشته دیپلماسی اقتصادی ویژه‌ای را در خاورمیانه عربی طرح‌ریزی کرده است. تکیه بر نخبگان و روابط شخصی، نهادسازی، استفاده از کشور ثالث و سری‌سازی روابط به این رژیم کمک کرد تا بتواند به آرامی سهم خود را در بازار منطقه کسب کند. این روابط اقتصادی اگرچه سهم بزرگی در سبد اقتصاد این کشورها ندارد، اما اهمیت فوق‌العاده‌ای از نظر جنس و نوع کالاهای صادراتی دارد. باید افزود هرکدام از کشورهای بالا، نقش ویژه‌ای در دیپلماسی اقتصادی این رژیم ایفا می‌کنند. عربستان بیشتر نقش یک کنشگر و تسهیل‌کننده سیاسی، امارات نقطه ثقل تجاری اسرائیل، قطر به‌عنوان پشتیبان سرمایه‌گذاری و اردن نیز به‌مثابه تسهیل‌گر ژئوپلیتیک در راهبرد دیپلماسی اقتصادی این رژیم نقش‌آفرینی می‌کنند. اسرائیل با ابزار اقتصادی به‌طور جدی سعی در بازتعریف ارزش‌ها در منطقه دارد. هدف اصلی این رژیم تحقق الگوی اتحادیه اروپا در خاورمیانه با استفاده از تجارت است که تاکنون توانسته روند نسبتاً موفقیت‌آمیزی را سپری کند. از جمله مهم‌ترین عواملی که به موفقیت این رژیم کمک کرد می‌توان به برداشت مشترک نسبت به تهدید ایران، رشد جریان‌های سلفی

تندرو و دیپلماسی منطقه‌ای دولت ترامپ اشاره کرد. این روند در آینده تهدیدهای امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران را وارد مرحله تازه‌ای می‌کند که تجربه نشده است.

منابع

احمدی، وحیده (۱۳۹۶). «اسرائیل و کشورهای پیرامونی، نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۰، ش ۲.

برژیک، پتر ون (۱۳۹۴). «کاوشی نو در دیپلماسی اقتصادی»، مجله اقتصادی، ش ۳ و ۴.

حمزه، حسن (۱۳۹۹). «اهداف و پیامدهای عادی‌سازی روابط بحرین و اسرائیل، دیپلماسی ایرانی»، به آدرس <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1995610/>

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۳). «گسترش سلطه اقتصادی اسرائیل بر کشورهای خاورمیانه عربی»، فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۳.

مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور (۱۳۸۸). نفوذ اقتصادی اسرائیل در منطقه، تهران: مؤلف

Aevazi, Mohammadrahim(2004). *Expanding Israeli economic dominance over the Arab Middle East Countries, Ketab Naqd, Quarterly, No.33, (In Persian)*.

Ahmadi, Vahideh(2016). *Israel and surrounding countries, Security influence with Economic cover, Strategic Studies Quarterly, Vol.20, No. 2, (In Persian)*.

Andishehsazansoor(2009), *Isreal economic influence in the region, Tehran, Institiue of Andishehsazan noor, (In Persian)*.

Avidar, Eli (2020). "Qatar Deceived Arab States over Trade Office, Says Israeli Politician", at <https://www.thenationalnews.com/world/gcc/qatar-deceived-arab-states-over-trade-office-says-israeli-politician-1.1066907>.

Barenthan, Galia Press(2020). *The Role of Economy in US Efforts to Promote Israeli-Arab Peacemaking, Mitvim Institute*

Bayne, Nicholas and Stephen Woolcock (2017). *The New Economic Diplomacy Decision-Making and Negotiation in International Economic Relations, New York, Routledge*.

Benziman, Yuval (2021). "Netanyahu's Attempt to Delink Israel-Arab Relations from the Palestinian Issue", *Mitvim Institute*, at <https://mitvim.org.il/en/publication/netanyahus-attempt-to-delink-israel-arab-relations-from-the-palestinian-issue/+&cd=1&hl=en&ct=clnk&gl=ir>.

Bergeijk, Peter, Van Moons Selwyn (2009). *Economic Diplomacy and Economic Security*, at: <https://www.researchgate.net/publication/228213995>, (In Persian).

Bergeijk, Peter(2013), *Economic Diplomacy and the Geography of International Trade, Economic Journals, No 3,4*.

Berridge, G. R. (2015). "Economic and Commercial Diplomacy", in *Book Diplomacy; Theory and Practice, 5th ed, new York: Palgrave Macmillan*.

Black, Ian (2019). *Just Below the Surface: Israel, the Arab Gulf States and the Limits of*

- Cooperation, LSE Middle East Centre Report. Middle East Centre, The London School of Economics and Political Science, London, UK.* at <http://eprints.lse.ac.uk/100313>.
- Bob, Yohah (2020). "How Hamas could be the engine for Qatar-Israel normalization", at <https://www.jpost.com/arab-israeli-conflict/how-hamas-could-be-the-engine-for-qatar-israel-normalization-653650>.
- Chatterjee, Charles (2020). *Economic Diplomacy and Foreign Policy-making*, London: Palgrave Macmillan.
- Dekel, Udi and Yoel Guzansky (2013). "Israel and Saudi Arabia: is The Enemy of my Enemy My Friends?", *INSS Insight*, No 500.
- Dobers, Geesche, Ihle, M., Kachel, Rico Yael & Ulf Liebe (2018). "Economic integration in the Middle East: Israeli-Palestinian Fresh Food Trade", *Israel Affairs*, Vol. 24, No 3.
- Donna, Lee and, Brian, Hocking (2010) *Economic Diplomacy*. In: *The International Studies Encyclopedia*. Wiley-Blackwell,
- Ferziger, Jonathan H. and Gawdat Bahgat (2020). "Israel's Growing Ties with the Gulf Arab States, *The Atlantic Council*", at <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/israels-growing-ties-with-the-arab-gulf-states>.
- Gal, Yitzhak (2018). "The Unfulfilled Potential of Israel's Relations with Arab Countries", *Summary of a Conference Organized by Mitvim and The Leonard Davis Institute for International Relations*
- Gal, Yitzhak, Rock, Bader (2018). *Israeli Palestinian Trade: In-Depth Analysis*, Tony Blair Institute for Global Change, at <https://institute.global/sites/default/files/articles/Israeli-Palestinian-Trade-In-Depth-Analysis.pdf>
- Gehring, Thomas (1996). "Integrating Integration Theory: Neo-functionalism and International Regimes, *Global Society*, Vol. 10. No 3.
- Haas, Ernest (2001). *Does Constructivism Subsume Neofunctionalism*, in .T Christiansen K. E. Jorgensen, *the social Construction of Europe*.
- Hamzeh, Hassan (2020). *Objectives and Consequences of Normalizing Bahraini-Israeli Relations*, *Iranian Diplomacy Magazine*, <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1995610/%>, (In Persian).
- Heijmans, Maaïke (2013). *Economic Diplomacy Japan and the Balance of National Interests*, Netherlands: Institute of International Relations Clingendael.
- Henderson, Simon (2019). *Israel and Bahrain's Normalization Setback*, Washington Institute.
- Herzog, Isaac (2018). "The Unfulfilled Potential of Israel's Relations with Arab Countries", *Summary of a Conference organized by Mitvim and The Leonard Davis Institute for International Relations*.
- Hetme, Bjorn (2003). "The New Regionalism Revisited", in *Book Theories of New Regionalism*, Palgrave Reader. <https://tradingeconomics.com>
- Hveem, Helge (2003). *regional project in Global Governance*, in *book theories of new regionalism*, palgrave reader
- Israel Government (2007). *MASHAV Cooperates with the Palestinian authority*, at <http://mfa.gov.il/MFA/Pages/default.aspx>
- Kazmir, Munr (2019). "Operation Tech and Trade: Israel's Economic Diplomacy is Working", at <https://munrkazmir.medium.com/operation-tech-and-trade-israels-economic-diplomacy-is-working-1d7506f0c2af>.
- Lavee, Doron, Jantzis, Beniad, Gilat (2013). "Israel's Foreign Trade Policy: The Benefits of its Reform", *Journal of Policy Modeling*, No. 35.

- Mahadav, Momo (2015). *Israeli Foreign Policy and the Modern Diplomacy of the 21st Century*, the Israeli Institute for Regional Foreign Policies.
- Marks, Joshua (2020). "Bahrain Could Be Gateway to Saudi Arabia for Israeli Businesses", <https://themedialine.org/by-region/bahrain-could-be-gateway-to-saudi-arabia-for-israeli-businesses>.
- Miller, Aaron (2020). "How Israel and the Arab World Are Making Peace Without a Peace Deal", *Carnegie Endowment for international peace*
- Neves, Miguel Santos (2017). "Economic Diplomacy, Geo-economics and the External Strategy of Portugal", *E-journal of International Relations*, Vol. 8, No. 1.
- Niemann, Arne, Lefkofridi, Zoe, Schmitter, Philip. C. (2018). neofunctionalism, in book *European Integration theory: oxford university press*
- Peres, shimon(1993). *The New Middle East*, Henry Holt and Company, New York
- Podeh, Elie (2018). "Saudi Arabia and Israel: From Secret to Public Engagement", *Middle East Journal*, Vol. 72, No. 4.
- Press-Barnatan, Galia (2018). "The Unfulfilled Potential of Israel's Relations with Arab Countries", *Summary of a conference Organized by Mitvim and the Leonard Davis Institute for International Relations*.
- Prestowitz, Clyde and Ben Carliner (2008). "A Strategic Vision for Economic Development", *Economic Strategy Institute*.
- Qasim, Jaafar (2021). "Qatar donates \$60M to Gas Pipeline for Gaza Electricity", at <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/qatar-donates-60m-to-gas-pipeline-for-gaza-electricity/2156063>.
- Rana, Kishan, Chatterjee, Bipul(2018), *Introduction: The Role of Embassies*, at book *:Economic Diplomacy: India's Experience*, at <https://www.diplomacy.edu/resource/economic-diplomacy-indias-experience/>
- Rosman, Elisheva (2004). *Balancing Acts: The Gulf States and Israel*, *Middle Eastern Studies*.
- Siddiqua, Arhama, Muhammad Abbas Hassan and Asad Ullah Khan (2020), *Saudi-Israeli Nexus: Implications for Iran*, *Center for Iranian Studies in Ankara*.
- Smith, Ben (2020). "The Diplomatic Deals between Israel and the UAE and Bahrain", *Number CBP 9028*.
- Telhami, Shibley (2020). *Changing American Public attitudes on Israel/Palestine: Does It Matter For Politics?*, in *POMEPS STUDIES 41 Israel/Palestine: Exploring A One State Reality*, *Technical Report, The Project on Middle East Political Science*.
- Tony Blair Institute for Global Change (2018). *Assessing Israel's Trade with Arab Neighbours*.
- Tronche, John-Laurent and Daniel Colover (2020). "Israel's Energy Sector Eyes Opportunities Following Normalization with UAE", at <https://www.spglobal.com/platts/en/market-insights/latest-news/oil/082120-israels-energy-sector-eyes-opportunities-following-normalization-with-uae>.
- Ulrichsen, Kristian Coates (2016). *Israel and the Arab Gulf states: Drivers and Directions of Change*, *Baker III Institute for Public Policy of Rice University*.
- United Nations Conference on Trade and Development (2014). *Report on UNCTAD assistance to the Palestinian people: Developments in the Economy of the Occupied Palestinian Territory*, at https://unctad.org/system/files/official-document/tdb61d3_en.pdf.
- Victor Muhamad, Simela (2020). *Normalization of the Arab-Israeli Emirate Union Relationship and Palestine Issues*, *Research Center Expertise Agency*, No 17/1

- Wachsberger, Katie (2021). *Opportunities and Challenges for Israel-UAE Economic Cooperation*, Mitvim Institute
- Yaari, Michal (2020). *Israel and Qatar: Relations Nurtured by the Palestinian Issue*, ", Mitvim Institute, at <https://mitvim.org.il/en/publication/israel-and-qatar-relations-nurtured-by-the-palestinian-issue/>
- Zaga, Moran (2021). "Israel and the United Arab Emirates: The Axis of Precedents", Mitvim-The Israeli Institute for Regional Foreign Policies.
- Zarghami Khosravi, Samira, Zakerian Amiri, Mehdi, Barzegar Kayhan and Ali Asghar Kazemi Zand (2020). "Israeli-Arab Relations; from Dream to Reality", *International Journal of Political Science*, Vol. 9, No 1.
- Zirovcic, Dubravko DUBY (2016). "Theoretical Principles of Economic Diplomacy", https://plu.mx/ssrn/a/?ssrn_id=2710671.

